تبلیغات

تبلیغات به معنای گفتن چیزی در تلویزیون ، رادیو و غیره به مردم است.

آنها از خرگوش برای کمک به تبلیغ محصولاتشان استفاده کردند.

اختصاص دادن

اختصاص دادن کاری به کسی این است که به او بگوییم این کار را انجام دهد.

من یک کار مهم را به کارگر محول کردم.

حضار

مخاطب گروهی از افراد است که با هم چیزی را تماشا می کنند.

تماشاگران زیادی در این بازی حضور داشتند.

صبحانه

صبحانه اولین وعده غذایی در روز است.

من هر روز صبح ساعت 8:00 صبحانه می خورم.

رقابت

مسابقه مسابقه ای است برای اینکه ببینیم چه کسی در چیزی بهتر است.

او آخر هفته در مسابقه دویدن پیروز شد.

سرد

اگر هوا خنک باشد ، کمی سرد است.

هوا در پاییز خنک است.

کسب کردن

اگر چیزی به دست آورید ، بیشتر از آن بهره مند می شوید.

در تابستان مقداری وزن اضافه کردم.

اهمیت

اهمیت به معنای کیفیت یا شرایط مورد نیاز بودن یا ارزش گذاری شدن است.

افراد معتبر افراد بسیار مهمی هستند.

دانش

دانش اطلاعاتی است که شما درباره چیزی دارید.

یک معلم موسیقی باید شناخت خوبی از موسیقی داشته باشد.

عمده

اگر چیزی مهم است ، بزرگ است یا مهم.

من یک مشکل اساسی دارم رئیس من می خواهد پروژه ام را دوباره انجام دهم!

منظور داشتن

متوسط ​​کسی را توصیف می کند که نامهربان یا بیرحم است.

همکار من یک فرد کاملاً پست است. خیلی زود عصبانی می شود.

ترجیح می دهند

اگر چیزی را ترجیح می دهید ، آن را بیش از چیز دیگری می خواهید.

من ترجیح می دهم راهی را که مرا به آینده ای روشن رهنمون می شود طی کنم.

رئيس جمهور

رئیس جمهور رهبر یک کشور است.

رئیس جمهور کشورمان اعلامیه مهمی را اعلام کرد.

پیش رفتن

پیشرفت عملی است که نزدیک شدن به انجام یا به پایان رساندن کاری است.

شرکت ما امسال پیشرفت مالی داشته است.

توجه

احترام ، عقیده خوبی است که درباره شخصی وجود دارد.

من برای آتش نشانان احترام زیادی قائلم.

ثروتمند

اگر ثروتمند باشید ، پول زیادی دارید.

او ثروتمند است. او می تواند هرچه بخواهد بخرد.

مهارت

مهارت دانش و توانایی است که به شما امکان می دهد کاری را به خوبی انجام دهید.

یک اسنوبورد باید مهارت درستی داشته باشد تا بتواند به خوبی عمل کند.

به نحوی

به نوعی به معنای یک روش یا برخی از معانی شناخته شده نیست.

او به نوعی باید راهی پیدا می کرد تا به حافظ حیات برسد.

استحکام - قدرت

قدرت همان قدرت بدنی است که شما دارید.

ورزش باعث افزایش قدرت و قدرت بیشتر می شود.

رای

رأی دادن یعنی انتخاب رسمی بین دو یا چند مورد.

من به بیلی رأی دادم که رئیس کلاس ما باشد.

رئیس جمهور دارک لند یک خوک بود - یک خوک بسیار بد. او یک خوک مهم بود. او ثروتمند بود و قدرت زیادی داشت. اما او نسبت به همه حیوانات در دارک لند شرور بود. او تمام نور جهان را در یک کیسه نگه داشت. او ترجیح داد جهان را سرد و تاریک نگه دارد. او می خواست جلوی پیشرفت شهر را بگیرد. حیوانات نمی توانستند در تاریکی کار کنند. او هیچ احترامی برای آنها قائل نبود. وی گفت: "نور برای آنها خیلی خوب است." "فقط من باید نور داشته باشم."

اما حیوانات به نور احتیاج داشتند. بنابراین تصمیم گرفتند مسابقه ای برگزار کنند. آنها می خواستند باهوش ترین حیوان در دارک لند را پیدا کنند. آن حیوان مجبور شد نور رئیس جمهور را بدزدد. آنها تبلیغات مسابقه را در همه جا انجام دادند. همه حیوانات آمدند.

حیوانات همه مهارت های خود را به نمایش گذاشتند. حضار با بیشترین دانش حیوان را تماشا کرده و سپس به او رأی دادند. برنده یک پرنده قد بلند به نام ریون شد. آنها کار نورپردازی را به او محول کردند.

صبح روز بعد ، ریون صبحانه خورد و سپس خانه خود را ترک کرد. "چگونه من از رئیس جمهور نور می گیرم؟" ریون فکر کرد او باید به نوعی رئیس جمهور را فریب دهد. سپس ، ریون ایده ای داشت. ریون می توانست صدایش را شبیه هر چیزی کند!

ریون تا درب رئیس جمهور بالا رفت. او صدای کودک گریان را در آورد. خیلی بلند گریه کرد. به زودی ، رئیس جمهور در را باز کرد.

"ساکت باش!" رئیس جمهور داد زد. درست در آن زمان ، ریون به سرعت حرکت خود را انجام داد. او کنار خوک پرواز کرد و کیف نرم را پیدا کرد. او آن را به بیرون برد. خورشید داخل کیف بود!

کلاغ پرواز کرد و خورشید را در آسمان قرار داد. رئیس جمهور بسیار عصبانی بود. ریون او را فریب داد! اما حیوانات دیگر بسیار خوشحال بودند. سرانجام ، آنها نوری داشتند - همه اینها بخاطر تفکر هوشمندانه ریون است.